

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر وضعیت خانوادگی در بزهکاری زنان در تهران (جامعه آماری: زنان مجرم زندان اوین در دهه ۱۳۸۰)

فریبا زمانی*

چکیده

در تحقیقی که در خصوص مجرمان زن در تهران انجام گرفت، مشاهده شد که ۹۰ درصد مجرمان از زندگی خانوادگی خود احساس نارضایتی می‌کردند. علاوه بر این، زنان در مقایسه با مردان منابع مادی و فرهنگی و فضاهای فراغتی کم‌تری داشتند.

در این تحقیق، ۱۰۴ نفر از زنان مجرم زندان اوین به‌منزله جامعه آماری انتخاب شده‌اند و هدف کلی این پژوهش شناخت شرایط و خصوصیات اجتماعی و خانوادگی زنان بزهکار تهران با تأکید بر سه شاخص کلی خانواده، محیط اجتماعی، و اوقات فراغت است.

این مطالعه با روش توصیفی - تبیینی انجام شده است و برای گردآوری اطلاعات از تکنیک مراجعه به اسناد و مدارک، پرسش‌نامه، و همچنین مصاحبه و برای تحلیل و پردازش اطلاعات نیز از نرم‌افزار spss و از روش آماری ضریب همبستگی استفاده شده است.

نتیجه تحقیق نشان داد که بین وضعیت خانوادگی زنان و بزهکاری آنان ارتباط مستقیم و معناداری برقرار است.

کلیدواژه‌ها: وضعیت خانوادگی، جرم، بزهکاری، اوقات فراغت.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، توسعه و برنامه‌ریزی، کارشناس مسئول پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری faribazamani_fz@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۵

۱. مقدمه

مسئله جرم و بزهکاری، که در پی مسائل و مشکلات اجتماعی نظیر فقر و بی‌کاری و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و دگرگونی در قوانین و الگوهای اجتماعی و خلاصه برهم‌خوردن تعادل در نظم اجتماعی پدید می‌آید، منحصر به مردان نیست، بلکه زنان نیز از صدمات این مشکلات اجتماعی مصون نیستند و زندگی آنان، به سبب ابعاد نقش‌ها و مسئولیت‌هایشان که با توجه به ساختار طبقاتی آنان شکل می‌گیرد، دست‌خوش بحران و نابسامانی می‌شود.

روش تحقیق در این مطالعه توصیفی - تبیینی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه حضوری با زنان مجرم زندان اوین با هدف شناخت ابعاد اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی شرایطی است که مجموعاً زمینه‌ساز جرم و ارتکاب جرایم را در میان آنان مساعد می‌کند. به عبارت دیگر، سؤال اساسی که در این تحقیق مطرح می‌شود این است که چگونه عواملی مانند شرایط اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی خانوادگی، با ایجاد زمینه‌های مستعد، می‌توانند در گرایش زنان به ارتکاب جرم و بزهکاری در واکنش به شرایط اجتماعی، نقش مؤثری ایفا کنند؟

۲. طرح مسئله

سابقه تحقیق در زمینه آسیب‌های اجتماعی در خصوص زنان در ایران چندان طولانی نیست و مراجعه به کتاب‌شناسی‌ها و مقاله‌نامه‌های موضوعی نشان می‌دهد که تحقیقات در مسئله جرم و بزهکاری زنان چندان مورد توجه محققان نبوده است. حال آن‌که، بسیاری از صاحب‌نظران بر آن‌اند که زنان امروز بیش از گذشته فرصت ارتکاب جرم پیدا می‌کنند، زیرا شمار بیش‌تری از آنان شاغل‌اند و از آزادی بیش‌تری برخوردارند و کم‌تر از گذشته به خانه وابستگی دارند؛ از طرف دیگر، بسیاری از زنان مسئولیت اصلی خانواده را بر دوش دارند، مسئولیتی که در گذشته به طور سنتی بر عهده مردان بوده است.

از آن‌جا که اکثریت درخور توجهی از جرایم گزارش‌شده زنان جرایم مالی‌اند، محققان انگیزه جرایم زنان را عمدتاً اقتصادی ذکر می‌کنند و در تحقیقات خود به هم‌بستگی کلی میان نیازهای اقتصادی و جرم اشاره دارند و ارتکاب جرم را راه‌حلی اقتصادی برای زنان فقیر می‌شمارند. وسعت گرفتن دامنه دست‌گیری زنان به جرم کلاه‌برداری و سرقت را نیز

نتیجه بدتر شدن اوضاع اقتصادی آنان و تبعیض‌های جنسی در سطوح پایین اقتصادی عنوان می‌کنند.

حال آن‌که با مروری بر تحقیقات انجام‌شده، می‌توان دریافت که برای کجروی زنان، علاوه بر عامل اقتصادی که خود ریشه در ساخت نظام اجتماعی دارد، باید به تأثیر وضعیت خانواده نیز اشاره کرد؛ شرایطی از قبیل وضع خانوادگی نابسامان در دوران کودکی، روابط و مناسبات خانوادگی پرتنش، ازدواج‌های زودرس، و زندگی در کنار همسری بزهکار.

به این ترتیب، با توجه به وظایف خانواده در تأمین منابع مادی و عاطفی فرزندان از یک‌سو، و تأثیر دوام و استحکام خانواده در آرامش روانی افراد خانواده از سوی دیگر، به تحقیقی میدانی در خصوص تأثیر ناامنی روانی و اقتصادی خانواده در آسیب‌شناسی خانواده پرداختیم و تحلیلی از مسئله جرم و بزهکاری در محیط اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جامعه با توجه به اهمیت روابط اجتماعی در بروز این پدیده اجتماعی ارائه دادیم.

۳. نظریه‌های مربوط به جرایم زنان

رابطه میان جرم و بزهکاری و شرایط اجتماعی ما را بدان رهنمون می‌شود که برای تبیین این پدیده به دیدگاه جامعه‌شناسی روی آوریم. از بررسی اجمالی دیدگاه‌های نظری رایج درباره جرم و بزهکاری زنان چنین برمی‌آید که هرچند همه این دیدگاه‌ها بر جنبه‌های خاص یا عامل معینی در بروز این پدیده اجتماعی تأکید دارند، اما مسئله جرم و بزهکاری ریشه‌های عمیقی دارد. این ریشه‌ها در سنت منشأ روانی در درون فرد، و در سنت منشأ اجتماعی در ساخت جامعه جای دارند؛ در سنت اخیر حتی بر فضای زیست‌محیطی که در آن بزهکاری و جرم شیوع می‌یابد تأکید می‌شود. همچنین بر شیوه‌های نظام‌یافته‌ای تأکید می‌شود که در آن‌ها ساخت اجتماعی برخی از افراد را در شرایط نامطلوب قرار می‌دهد و آنان را بدان سوق می‌دهد که برای رسیدن به موفقیت و کامیابی مبارزه کنند و در مواردی به راه‌های خلاف توسل جویند.

در این جا به پاره‌ای از نظریات در این دیدگاه که اهداف و فرضیات تحقیق است اشاره می‌کنیم. این نظریات اگرچه اختصاصاً درباره زنان به کار نرفته‌اند می‌توانند در فهم الگوهای سستی و دگرگونی‌های اخیر در جرایم زنان سودمند باشند. به عبارت دیگر، توجه به این

نظریه‌ها نه تنها در جرایم مردان، بلکه در جرایم زنان نیز می‌تواند مفید باشد، چون بسیاری از جنبه‌های مطرح شده درباره جرم و متغیرهای مؤثر در آن فقط به مردان تعلق ندارد و در جرایم زنان نیز مؤثر است.

۱.۳ نظریه فشار ساختاری

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نظریه فشار ساختاری (structural strain theory) این است که انحراف را فقط از طریق توجه به فرد منحرف نمی‌توان تبیین کرد، بلکه توجه به کلیت ساختار اجتماعی نیز ضروری است.

به نظر مرتن (R. K. Merton)، بزهکاری بیش‌تر ابعاد اقتصادی دارد و از ساخت و سازمان اجتماعی ناشی می‌شود و از آن‌جا که ثروت در جامعه کنونی بالاترین مراتب را در نظام ارزش‌های اجتماعی دارد و امکان دستیابی به آن از طریق روش‌های عادی برای همه افراد امکان‌پذیر نیست، گروهی از مردم، برای رسیدن به آن، راه‌های نامشروع را اختیار می‌کنند.

مرتن آنومی (anomy) یا بی‌هنجاری را به تنگنایی اطلاق می‌کند که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند بر افراد وارد می‌آید. در واقع، این نظریه انحراف را نتیجه تنگناهای ساختاری می‌داند که مردم را در مضیقه قرار می‌دهد (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

۲.۳ نظریه تعارض فرهنگی و خرده‌فرهنگ

بحث اساسی در نظریه تعارض فرهنگی (cultural conflict theory) این است که جرم از نبود الگوی اجتماعی روشنی از رفتار بهنجار منتج می‌شود و افزایش تعارض در هنجارها، که با مهاجرت همراه است و به تکثر سریع جامعه منتهی می‌شود، این تعارض فرهنگی را شدت می‌بخشد و برای بروز جرایم زمینه مساعدی پدید می‌آورد.

از آن‌جا که هر خرده‌فرهنگ (subculture) هنجارهای ویژه خود را دارد، از فرهنگ بزرگ‌تر تمایز می‌یابد و عموماً افراد وابسته به خرده‌فرهنگ‌ها از سوی کسانی رد می‌شوند که ارزش‌های آنان فرهنگ عمومی غالب را می‌سازد (کوئن، ۱۳۸۵: ۴۳).

در نظریه خرده‌فرهنگ، همانند بیش‌تر نظریه‌های فشار اجتماعی، ریشه مشکلات را

در ماهیت ساخت اجتماعی، به ویژه الگوهای همسایگی و زندگی جمعی باید سراغ گرفت. در مناطقی که گروه‌های بزهکاری در آنجا متمرکزند رشد بالای جمعیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی نازل، و میزان بالایی از نابسامانی خانوادگی دیده می‌شود.

۳.۳ نظریه ارتباط نسبی

از دیگر نظریه‌های انتقال فرهنگی نظریه ارتباط نسبی (differential association theory) است که ادوین ساترلند (E. Sutherland) آن را مطرح کرده است و در آن، با الهام از نظریه یادگیری (learning theory) گابریل تارد (G. Tard)، بر یادگیری رفتارهای انحرافی تأکید می‌شود. این نظریه روشن می‌کند که چگونه مردم رفتارهای انحرافی را، با مشاهده انحراف و تقلید از کسانی که رفتارهای منحرف دارند، می‌آموزند به ویژه از کسانی که آن‌ها را الگوی خود قرار می‌دهند. یک جنبه اجتماعی که به نظریه یادگیری افزوده می‌شود و در نظریه ارتباط نسبی پرورش می‌یابد، این است که افراد دارای رفتارهای منحرف به تشکیل دسته‌های اجتماعی با منحرفانی گرایش دارند که از آن‌ها هنجارها و ارزش‌های کجروی را آموخته‌اند (Calhoun et al., 1994: 165).

۴. مبانی عملی تحقیق

۱.۴ تعریف مفاهیم

در اینجا لازم است، برای جلوگیری از ابهام و تعبیرهای گوناگون، از مفاهیم کلی زیر تعریفی ارائه دهیم:

بزهکاری (delinquency)^۱ وضعیتی است که معمولاً برای توصیف حداقل اعمال خلاف و تخلف از مقررات به کار می‌رود (Mitchell, 1989: 14).

جرم (crime) عملی است که قانون آن را منع کرده است و در صورت ارتکاب مجازات‌های قانونی در پی دارد (Calhoun et al., 1994: 179).

اوقات فراغت (leisure) که در فرهنگ لاروس فراغت چنین تعریف شده است: «تفریحات و فعالیت‌هایی که به هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به آن‌ها روی آورده می‌شود».

۲.۴ اهداف تحقیق

هدف کلی در این پژوهش شناخت شرایط و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی زنان بزهکار و مجرم تهران با تأکید بر سه شاخص کلی خانواده، محیط اجتماعی، و اوضاع اقتصادی با مطالعه زنان مجرم در زندان اوین است. هدف‌های جزئی شناسایی چگونگی تأثیر عوامل زیر در ارتکاب جرم است:

روابط نامناسب خانوادگی، ارتباط با افراد خلاف‌کار در محل سکونت و به طور کلی محیط اجتماعی، مشکلات اقتصادی و مالی، و فقدان امکانات مناسب برای گذران اوقات فراغت.

۳.۴ فرضیه‌ها و روش تحقیق

در این تحقیق فرض شده است که عوامل زیر در گرایش زنان به ارتکاب جرم و بزهکاری مؤثر است:

ازهم گسیختگی خانواده، محرومیت زنان از دسترسی به امکانات آموزشی و شغلی مناسب، داشتن الگوها و مناسبات اجتماعی نادرست، و نداشتن برنامه‌ای مناسب برای گذران اوقات فراغت که گرایش به کسب درآمدهای آسان که غالباً از راه نامشروع است را در پی دارد.

روش تحقیق توصیفی - تبیینی است و در گردآوری اطلاعات نیز، از تکنیک‌های مراجعه به اسناد و مدارک، پرسش‌نامه، و همچنین مصاحبه با زنان زندانی استفاده شده است.

۴.۴ جامعه آماری و نمونه آماری

با توجه به این که دسترسی به زنان بزهکار در سطح شهر و مصاحبه با آنان میسر نبود، جامعه آماری محدود به زنانی شد که متهم به عمل خلاف قانون شده بودند و در زندان اوین به انتظار اجرای حکم بودند و یا دوران محکومیت خود را می‌گذراندند.

همچنین، به علت دسترسی نداشتن به آمار دقیق زندانیان زن و نوع جرایم آن‌ها، نمونه‌گیری برنامه‌ریزی شده امکان‌پذیر نشد. بنابراین، نمونه‌گیری به طور تصادفی در میان زنان زندانی در هر بند با توجه به نوع جرایم^۲ صورت گرفت که در مجموع ۱۰۴ پرسش‌نامه حضوری همراه با مصاحبه در زندان تکمیل شد.

۵. ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه

در جامعه مورد مطالعه، بیش‌ترین درصد زنان و دخترانی که در زندان‌ها نگهداری می‌شوند از گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال‌اند؛ نیمی از آنان متولد تهران و بقیه متولد شهرستان‌اند که، قبل از رسیدن به پانزده سالگی، محل تولد خود را ترک و همراه خانواده یا به‌تنهایی به تهران مهاجرت کرده‌اند و در حاشیه تهران ساکن شده‌اند.

۱.۵ شرایط و موقعیت خانوادگی

از آن‌جا که خانواده یکی از عوامل مؤثر و تعیین‌کننده در زندگی اجتماعی فرد و اولین الگوی یادگیری نقش اجتماعی است توجه به ساختار آن برای شناخت بهتر خصوصیات فردی ضروری است. این‌که فرد به چه پایگاه اقتصادی و اجتماعی تعلق دارد، در چه محیطی پرورش یافته است، و چه کسانی و با چه خصوصیتی محیط انسانی پیرامون او را می‌سازند بدون در نظر گرفتن پیشینه خانوادگی او میسر نیست.

پژوهش‌های متعدد در خصوص رابطه بین موقعیت خانوادگی و بهره‌کاری اثر فرایندهای تربیت خانوادگی را در رفتار خشونت‌آمیز افراد تأیید کرده‌اند (Spano and Bolland, 2009: 1322-1323).

یکی از متغیرهای مهم در پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، علاوه بر وضعیت اقتصادی والدین، وضع سواد و میزان تحصیلات والدین است که به نوبه خود در تربیت فرزندان و روابط میان آنان و والدین نقش مهمی ایفا می‌کند. در جامعه مورد بررسی درصد بالایی (حدود ۴۰٪) از پدران پاسخ‌گویان بی‌سوادند و ۲۶/۱٪ تحصیلاتی در سطح خواندن و نوشتن و دوره ابتدایی دارند. پایین‌بودن سطح سواد در میان مادران پاسخ‌گویان به مراتب بیش از پدران آن‌هاست. چنان‌که بیش از نیمی (۵۸/۸٪) از مادران بی‌سواد و حدود ۲۰٪ در حد خواندن و نوشتن و دوره ابتدایی سواد دارند.

مقایسه سطح سواد پاسخ‌گویان با سطح سواد والدین آنان حاکی از آن است که والدین با سطح سواد نازل برای تحصیل فرزندان خود اهمیت چندانی قائل نیستند که این امر به‌ویژه درباره فرزندان دختر بیش‌تر محسوس است. به طوری که، حدود نیمی از پاسخ‌گویان علت عمده ترک تحصیل خود را مشکلات خانوادگی و ممانعت خانواده از ادامه تحصیل آنان ذکر کرده‌اند. ازدواج زودرس برای دختران نیز توجیهی از طرف والدین برای ضرورت نداشتن ادامه تحصیل دختران بوده است (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع میزان تحصیلات پاسخ‌گویان بر حسب میزان تحصیلات پدرانشان

جمع	بی‌پاسخ	فوق دیپلم و بالاتر	متوسطه و دیپلم	ابتدایی	بی‌سواد	میزان تحصیلات پدر
						پاسخ‌گو
۳۵	۲۵	۰	۲۷/۹	۳۵/۳	۵۷/۷	بی‌سواد
۲۵/۶	۰	۳۳/۳	۳۷/۲	۱۴/۷	۲۶/۹	ابتدایی
۳۵/۹	۷۵	۱۶/۷	۳۴/۹	۴۷/۱	۱۵/۴	متوسطه و دیپلم
۳/۴	۰	۵۰	۰	۲/۹	۰	فوق دیپلم و بالاتر
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

Sommer's d= 0/264

Kendall's tau c= 0/240

زندگی در یک خانواده از هم پاشیده و نابسامان نیز از جمله عواملی است که در شکل‌گیری زندگی اجتماعی فرد تأثیر مستقیم دارد. افرادی که دوران کودکی خود را در خانواده‌ای به سر برده‌اند که یکی از والدین یا هر دو را به علت جدایی یا فوت از دست داده‌اند، آسیب‌پذیرتر از افرادی‌اند که در چنین شرایطی قرار ندارند، زیرا بخش عمده اجتماع‌پذیری و یادگیری نقش‌های اجتماعی افراد در دوران کودکی و درون خانواده صورت می‌پذیرد. کسانی که در دوران کودکی از چنین امکانی برخوردار نباشند بعداً، در پذیرش و تطابق با هنجارهای اجتماعی دچار تعارض می‌شوند. در جامعه مورد مطالعه، نزدیک به نیمی (۴۹/۷٪) از پاسخ‌گویان حداقل یکی از والدین و در مواردی نیز هر دوی آن‌ها را از دست داده‌اند. به علاوه بیش‌ترین درصد پاسخ‌گویان (۴۸/۵٪) دوره‌ای کم‌تر از چهارده سال را در خانواده گذرانده‌اند. به عبارت دیگر، بیش از نیمی از پاسخ‌گویان در سنین کودکی و نوجوانی از داشتن کانون خانواده محروم بوده‌اند (← جدول ۲).

جدول ۲. توزیع پاسخ‌گویان بر اساس فوت والدین و طول دوران زندگی آن‌ها با خانواده‌هایشان

جمع	۲۵ سال تاکنون	۱۵-۲۴ سال	۵-۱۴ سال	کم‌تر از ۵ سال	طول دوران زندگی
					درون خانواده فوت والدین
۱۰۰	۱۲/۹	۴۱/۹	۴۱/۹	۳/۲	پدر

۱۰۰	۰	۴۰	۵۵	۵	مادر
۱۰۰	۹/۵	۳۸/۱	۴۷/۶	۴/۸	هر دو
۱۰۰	۱۰/۹	۴۳/۷	۴۲/۲	۳/۱	هیچ کدام
۱۰۰	۱۰	۴۰	۴۰	۱۰	اظهار نشده

$$5/749 = X^2$$

$$D.F = 15$$

پایگاه اجتماعی افراد بر اساس شاخص‌های متعددی تعیین می‌شود که وضعیت شغلی یکی از آنهاست. معمولاً در خانواده‌هایی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در پایگاه بالایی نیستند و والدین از نظر میزان تحصیلات در سطح پایینی قرار دارند، پای‌بندی به سنت‌ها و حفظ آداب و رسوم بیش‌تر به چشم می‌خورد. در چنین خانواده‌هایی سن ازدواج، به‌ویژه در نزد دختران، بسیار پایین است. همسر دختر را والدین و اعضای خانواده انتخاب می‌کنند و به رضایت یا نارضایتی دختر کم‌تر توجه می‌شود. از این‌رو، هرچه سن ازدواج پایین‌تر باشد، نقش خانواده در تصمیم‌گیری‌های مربوط به ازدواج افزایش می‌یابد و همین زمینه‌ساز بسیاری از اختلافات در زندگی زناشویی می‌شود.

۲.۵ شرایط و موقعیت اقتصادی زنان

بر طبق نظریهٔ نابسامانی اجتماعی و جرم (social disorganization theory)، نابسامانی روزافزون اجتماعی در نتیجهٔ افزایش بیش از حد جرایم است. شاو و مک‌کی (Shaw and McKay, 1942) سه عامل اجتماعی شامل منزلت پایین اقتصادی، ناهمگنی قومی، و تحرک مسکونی را عوامل کاهش سازمان اجتماعی عنوان کرده‌اند. علاوه بر این، سامپسون و گراوز اختلال و نابسامانی خانوادگی و شهرنشینی را از دلایل نابسامانی اجتماعی بیان کرده‌اند (Sampson and Groves, 1989 cited Ochs, 2010: 53).

مطالعات متعدد نشان می‌دهد که اوضاع نامساعد اقتصادی فقط مردان را به ارتکاب جرم سوق نمی‌دهد، بلکه زنان که به علت محرومیت‌های اقتصادی - اجتماعی و افزایش فقر و بی‌کاری در مقابل مشکلات آسیب‌پذیرترند چنان‌چه در موقعیت نابسامان اقتصادی قرار گیرند، به سوی جرم و بزهکاری کشیده می‌شوند.^۳ بر پایهٔ نتایج پژوهش‌هایی در این زمینه، از میان عوامل مؤثر در کجروی و آسیب‌های اجتماعی دختران جوان نقش خانواده و فقر

اقتصادی و فرهنگی از همه مهم‌تر است (محمدی، ۱۳۸۳: ۶۸). بنابراین، محدودیت حوزه اشتغال و پایین بودن میزان تحصیلات زنان که آنان را به پذیرش شغل‌هایی با دست‌مزدهای نازل وادار می‌کند و در نتیجه تنگنای مالی و دیگر عوارض از جمله عواملی‌اند که زمینه گرایش زنان به کجروی را مساعدتر می‌کنند.

مقایسه وضع تحصیلی و اشتغال پاسخ‌گویان نیز گویای آن است که بیش‌ترین درصد (۳۷/۵٪) شاغلان در جامعه مورد مطالعه بی‌سوادند. از افراد بی‌کار نیز بیش‌ترین درصد (۴۱/۶٪) تحصیلاتی در سطح ابتدایی دارند (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان بر حسب میزان تحصیلات آنان

جمع	خانه‌دار	بی‌کار	شاغل	وضعیت اشتغال پاسخ‌گو
				میزان تحصیلات پاسخ‌گو
۳۰/۷	۲۹/۲	۱۶/۷	۳۷/۵	بی‌سواد
۳۰/۱	۳۰/۸	۴۱/۶	۲۵	ابتدایی
۳۵/۹	۴۰	۳۷/۵	۳۱/۲	متوسطه و دیپلم
۳/۳	۰	۴/۲	۶/۳	فوق دیپلم و بالاتر
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

0/102227 = Lambda

Kendall Tau c = 0/333

بررسی حاضر همچنین نشان می‌دهد که زنان عمدتاً مرتکب جرایمی شده‌اند که به هیچ نوع امکانات مادی، تجهیزات، یا مهارت‌های خاصی نیاز ندارد. بسیاری از آنان فعالیت‌های خلاف را منبع تأمین معاش یا راهی برای کسب درآمد بیش‌تر خود اختیار کرده‌اند و در برخی از موارد نیز زیاده‌طلبی و رسیدن به درآمدهای کلان از راه‌های سهل‌عامل گرایش آنان به اعمال خلاف شده است. به طوری که ۷۶/۵٪ از موارد فحشا و قوادی و ۶۱/۵٪ از موارد سرقت و کلاه‌برداری متعلق به زنان شاغل است. همچنین برای زنانی که منبع درآمدی ندارند یا فاقد مهارت‌های حرفه‌ای برای جذب شدن در بازار کارند برخی از انواع خلاف‌ها امکان برخورداری از منابع تأمین درآمدهای بالا و بدون زحمت را فراهم می‌کند؛ چنان که در میان جامعه مورد بررسی، ۷۲٪ موارد مربوط به قاچاق مواد مخدر و اعتیاد زنان خانه‌دار است (جدول ۴).

جدول ۴. توزیع وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان بر حسب نوع جرم

نوع جرم وضعیت اشتغال	قتل	سرقت و کلاه‌برداری	فحشا و قوادی	روابط نامشروع	قاچاق مواد مخدر و اعتیاد	فرار از منزل	سایر جرایم	جمع
بی‌کار	۰	۱۵/۴	۵/۹	۲۳/۳	۴	۳۵/۲	۰	۱۷/۱
خانه‌دار	۸۵/۷	۲۳/۱	۱۷/۷	۴۳/۳	۷۲	۳۲/۴	۶۲/۵	۴۱/۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

$$36/7 = X^2$$

$$0/147 = \text{Lambda } X_{10}$$

$$D.F = 16$$

۳.۵ الگوها و مناسبات اجتماعی

شرایطی که فرد در آن فرایند اجتماعی شدن را طی می‌کند و کسانی که در این جریان مداخله دارند در شکل‌گیری و پذیرش نقش اجتماعی فرد در دوران بزرگ‌سالی مؤثرند. نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی بر آن‌اند که افراد رفتارهای منحرف را با مشاهده و تقلید از کسانی که با آن‌ها هم‌نشینی دارند، می‌آموزند؛ به‌ویژه که این افراد نسبت به آن‌ها حس احترام و تحسین دارند (Calhoun et al., 1994: 164-165).

بررسی انجام‌شده نشان می‌دهد که بیش‌ترین درصد (۴۶/۸٪) پاسخ‌گویان با همکاری دوستان و هم‌دستان، ۲۵/۵٪ از آنان با همکاری همسر یا سایر اعضای خانواده، ۲۳/۴٪ به تنهایی، و ۴/۳٪ نیز با کمک همسایگان اعمال خلاف انجام داده‌اند. چنان‌که یاد شد وجود خرده‌فرهنگ بزهکاری نیز از جمله عوامل مؤثر در تداوم اعمال خلاف شمرده می‌شود. در چنین خرده‌فرهنگی اعمال خلاف ارزش شمرده می‌شود و افرادی که در این اعمال توانایی بیش‌تری دارند منزلت بالاتری دارند (جدول ۵).

جدول ۵. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب چگونگی انجام‌دادن اعمال خلاف

درصد	نحوه انجام‌دادن عمل خلاف
۴۶/۸	با همکاری دوستان
۲۵/۵	با همکاری همسر یا اعضای خانواده
۲۳/۴	به تنهایی
۴/۳	با کمک همسایگان
۱۰۰	جمع

در چنین خرده‌فرهنگی، روابطی که با افراد خارج از محیط اجتماعی بزهکاران برقرار می‌شود با روابط درونی متفاوت است. حدود ۴۰٪ از پاسخ‌گویان در جامعه آماری اظهار داشته‌اند که از زمان شروع به ارتکاب اعمال خلاف دوستان جدیدی پیدا کرده‌اند که اکثریت درخور توجهی (۸۵/۵٪) از اینان سابقه اعمال خلاف دارند.

بسیاری از این افراد اول بار که مرتکب عمل خلاف می‌شوند و به زندان می‌روند با خرده‌فرهنگ بزهکاری آشنا می‌شوند. هرگاه فرد متخلف در سنین پایین‌تری باشد، زودتر تحت تأثیر گروه‌های خلاف‌کار قرار می‌گیرد و جذب این گروه‌ها می‌شود (Wheeler, 1972: 83).

به علاوه، رفتارهای خلاف در کنش متقابل با دیگران و در فرایند ارتباطات آموخته می‌شود و بخش عمده این یادگیری در درون گروه‌های محدود و صمیمی اتفاق می‌افتد (Huff, 1990: 171).

نتایج بررسی حاضر نیز این نظریه را تأیید می‌کند. چنان که ۲۸/۲٪ از پاسخ‌گویان اظهار داشتند که به علت اختلافات و نابسامانی محیط خانواده، ۱۷/۶٪ در تماس با دوستان ناباب، و ۱۲/۲٪ به علت احساس کمبود محبت به انجام‌دادن عمل خلاف گرایش پیدا کرده‌اند. و شاید بتوان علت پناه‌بردن به دوستان ناباب را ناشی از همین کمبودهای عاطفی دانست که فرد جبران آن را در جایی به جز خانواده جست‌وجو می‌کند.

۴.۵ شرایط زیستی و محل سکونت

اگرچه در کشورهای توسعه‌یافته میزان جرایم شهری رقم بالایی را نشان می‌دهد، اما این امر در کشورهای در حال توسعه رقم بالاتری داشته است. از طرفی در بسیاری از مناطق شهری جرایم همسان و یکنواخت پخش نشده‌اند، بلکه آن‌ها در مکان‌های به خصوصی، به‌ویژه در فقیرترین بخش‌های شهر، بیش‌تر اتفاق می‌افتند (Gottinder and Budd, 2005: 179-181).

بر طبق بسیاری از نظریه‌های اجتماعی، که به عوامل ساختی بروز جرایم و گسترش آن پرداخته‌اند، منشأ بسیاری از این عوامل را باید در مناطقی یافت که زندگی جمعی و الگوهای همسایگی رواج دارد؛ یعنی مناطقی که در آن‌ها رشد بالای جمعیت، پایگاه نازل اقتصادی و اجتماعی، و میزان بالایی از نابسامانی خانوادگی دیده می‌شود.

معمولاً انگیزه‌های مجرمان برای انتخاب مکان و زمان جرم بر اساس هزینه‌ها و خطرهای در تقابل با پاداش‌ها و دستاوردهاست و در نهایت تصمیمی را می‌گیرند که حداکثر سود و حداقل ضرر را برای آن‌ها در پی داشته باشد. بنابراین محیط به‌منزله ابزاری مورد توجه قرار می‌گیرد که پیشاپیش به مجرمان کمک می‌کند که مکانی مناسب برای انجام دادن جرم خود انتخاب کنند (Rostami Tabrizi and Madani pour, 2006: 393-394).

همان‌گونه که یاد شد، یکی از عوامل مؤثر در گرایش به کجروی وجود فرصت‌ها و شرایطی است که زمینه را برای گرایش فرد به ارتکاب جرم و بزهکاری مساعد می‌سازد. یکی از نظریه‌های مطرح در این‌باره نظریه خردفرهنگ است که در آن، همانند بیش‌تر نظریه‌هایی که برای جرم منشأ اجتماعی قائل‌اند، بر این نکته تأکید می‌شود که ریشه مشکلات را باید در ماهیت ساختار اجتماعی، به‌ویژه الگوهای همسایگی و زندگی جمعی، جست‌وجو کرد. در مناطقی که گروه‌های بزهکاری و میزان رشد جمعیت بالاست و ساکنان پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالایی ندارند خردفرهنگ بزهکاری به صورت خردفرهنگ رایج در درون هنجارهای کلی جامعه قرار می‌گیرد. بر این اساس، افزایش جرم و جنایت رابطه مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت دارد. در ۱۹۶۸ انگلس (Angels) در بررسی جرایم خیابانی کالیفرنیا ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات کرد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۰).

در بررسی حاضر، ۵۱/۶٪ از پاسخ‌گویان اذعان داشتند که در محله مسکونی آن‌ها افراد خلاف‌کار زندگی می‌کنند. ۳۸/۶٪ از پاسخ‌گویان نیز به رابطه‌ای نزدیک‌تر اشاره داشتند و می‌گفتند که در میان همسایگان آن‌ها، افراد خلاف‌کار زندگی می‌کنند.

مقایسه نوع جرایم پاسخ‌گویان و خلاف‌های رایج در محل سکونت آن‌ها نشان می‌دهد که در بیش‌تر موارد، میان این دو رابطه‌ای نزدیک برقرار است؛ چنان‌که بیش از نیمی (۵۸/۵٪) از پاسخ‌گویان که به جرم مواد مخدر (اعتیاد و قاچاق مواد مخدر) دست‌گیر شده‌اند، رایج‌ترین خلاف‌های محل سکونت خود را نیز اعتیاد و قاچاق مواد مخدر ذکر کرده‌اند. بدین‌سان، زندگی در محلاتی که در آن‌ها زمینه و امکان ارتکاب خلاف وجود دارد، فرصت‌های لازم را برای افراد مستعد فراهم می‌کند (جدول ۶).

جدول ۶. توزیع اظهارات پاسخ‌گویان درباره نوع خلاف‌کاران ساکن در محل سکونت‌شان و نوع جرایم ارتكابی آنان

جمع	فرار از منزل	قاچاقچی مواد مخدر و اعتیاد	روابط نامشروع	فحشا و قوادی	سرقت و کلاه‌برداری	نوع جرم
						نوع خلاف‌کاران محل سکونت
۴۲/۶	۲۹/۴	۵۸/۵	۳۹/۵	۴۱/۷	۵۰	قاچاقچی مواد مخدر
۸/۵	۰	۱۱/۸	۲/۶	۱۶/۷	۳۰	سارق
۱۴/۹	۱۷/۶	۵/۹	۲۳/۷	۸/۳	۰	روسپی
۲۱/۳	۲۳/۵	۱۷/۷	۲۳/۷	۱۶/۷	۲۰	سایر
۱۲/۸	۲۹/۴	۵/۸	۱۰/۵	۱۶/۷	۰	نمی‌دانم
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

$$0/109 = \text{Lambda } X_{93}$$

۵.۵ اوقات فراغت

یکی از شئون زندگی، که به‌ویژه در زندگی شهرنشینان جایگاه خاصی دارد، نحوه گذران اوقات فراغت است. در کشورهای پیشرفته صنعتی، اوقات فراغت بخشی از زندگی روزمره افراد را به خود اختصاص می‌دهد و اهمیت و ضرورت آن به حدی است که تشکیل سازمان‌ها و مؤسسات متعددی که افراد بتوانند ساعات فراغت خود را در آن بگذرانند از جمله وظایف نهادهای اجتماعی به‌شمار می‌رود. با این حال، در کشورهای که هنوز خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی شمرده می‌شود و تخصیص مدت زمانی به گذران اوقات فراغت به جز برای درصد ناچیزی از قشرهای جامعه مفهومی ندارد، ضرورت تشکیل چنان سازمان‌هایی عملاً منتفی است و نهادهای اجتماعی وظیفه‌ای در قبال آن احساس نمی‌کنند. علاوه بر آن، ساعات فراغت افراد غالباً در درون خانواده صرف می‌شود. یکی از صاحب‌نظران درباره نحوه گذران اوقات فراغت در ایران می‌گوید:

هنوز تفریحات درون خانه، از قبیل معاشرت و محاوره مرسوم است و شرکت همه افراد خانواده در تفریح واحد به فراوانی دیده می‌شود؛ و چون کدبانویی هنوز ارزش بسیار دارد، اکثر زنان در خانه می‌مانند و به رتق و فتق امور داخلی می‌پردازند (ادیبی، ۱۳۵۶: ۲۴۹).

در واقع، نحوه گذران اوقات فراغت بعد مهمی از زندگی درونی انسان‌ها و بخشی از تصویر زندگی اجتماعی فرد است. این اوقات ممکن است برای برخی با تعقل و تفکر همراه باشد و برای عده‌ای دیگر خسته‌کننده همراه با آسیب‌های جسمی و روانی باشد.

فعالیت‌های اوقات فراغت امروزه از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را نشان دهنده ویژگی‌های فرهنگی جامعه می‌دانند. در گذشته، اوقات فراغت کم و بیش با بی‌کاری و انفعال همراه بود و مادر همه شرها محسوب می‌شد، اما امروزه فراغت مبنای رفتاری جدید مبتنی بر تفکر دانسته می‌شود (دومازیه، ۱۳۵۲: ۲۶).

واکنش افراد در برابر نحوه گذران اوقات فراغت بر حسب سن، جنسیت، و شرایط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آنان متفاوت است، اما در غالب جوامع با فقدان آموزش فرهنگ نحوه گذران اوقات بی‌کاری و با مسئولیت‌ناپذیری، رفتارهایی از افراد سر می‌زند که گاه این رفتارها از سوی جامعه تأیید نمی‌شود و بعضاً رفتارهای انحرافی به‌شمار می‌رود. تحقیقات انجام‌شده در جامعه ایران، که در ردیف جوانان کشورها قرار دارد، حاکی از آن است که بسیاری از انحرافات در میان جوانان نتیجه فقدان برنامه ریزی صحیح برای گذران اوقات فراغت بوده است (سلگی و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۹).

از آن‌جا که بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایت در شهرهای بزرگ به علت ازهم پاشیدگی کانون خانوادگی است چنین به‌نظر می‌رسد که محیط خانواده و تربیت و نظارت صحیح والدین در پیشگیری از وقوع جرم فرزندان تأثیر بسزایی دارد. به علاوه، هرچه خانواده زمان بیش‌تری را صرف تربیت فرزندان کند اعضای خانواده کم‌تر به انحراف کشیده می‌شوند. در این میان، مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از انحرافات درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده از جانب خانواده است. خانواده با توجه به ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی می‌تواند باعث رشد شخصیت و ایجاد هویت شخصی مستحکم در فرزندان خود شود که این امر به نوبه خود آن‌ها را در برابر آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی مصون خواهد کرد.

تحقیقات در خصوص رابطه نحوه گذران اوقات فراغت با طبقه اجتماعی زنان نشان می‌دهد که زنان برای خود نوعی هویت طبقاتی با استناد به شغل خود یا شغل پدر و سطح تحصیلات‌شان قائل‌اند (آبوت پاملا، ۱۳۸۵: ۴۷). به نظر گرین پایگاه اجتماعی زنان با چگونگی گذراندن اوقات فراغت آنان رابطه مستقیم دارد (Green et al., 1990: 19).

تحقیق دیگری نشان می‌دهد که طبقه اجتماعی، درآمد، و تحصیلات زنان برخی از محدودیت‌هایی را که جامعه سنتی به فرصت‌های اوقات فراغت زنان تحمیل می‌کند، کاهش داده است (هی وود و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۷۶). تحقیقات انجام‌شده در داخل کشور نیز نشان می‌دهد که میان تحصیلات، درآمد، و نوع شغل با چگونگی گذراندن اوقات فراغت

رابطه مستقیمی وجود دارد و همچنین این تحقیقات حاکی از آن است که بسیاری از موارد شدید انحرافات در میان جوانان نتیجه بی‌برنامگی برای گذران اوقات فراغت است (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۹۴). به علاوه، دگرگونی تدریجی سبک زندگی زنان و دختران در تهران و محدودیت‌ها و موانعی که امروزه برای حضور دختران در غالب فضاهای عمومی شهری وجود دارد فراغت آنان را از بیرون از منزل به مکان‌های سرپسته‌ای، که آسیب‌های بیش‌تری در پی دارد، منتقل کرده است (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶: ۹).

این موضوع مؤید حساسیت بسیار زیاد تأثیر نهاد خانواده در بحث آسیب‌زایی اوقات فراغت است به خصوص که اوقات فراغت در دوران جوانی دارای اهمیت بسیاری است و جوان مایل به برقراری ارتباط با دیگران، به ویژه هم‌سالان، است. اگر نهاد خانواده در این زمان به‌درستی عمل نکند، با محدودیت زیاد یا بی‌توجهی، در هر دو صورت می‌تواند تأثیرات نامطلوب و جنبه‌های آسیبی را در گذران اوقات فراغت جوان باعث شود (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۰: ۵۱).

در پژوهش پیش رو، در پاسخ به این سؤال که: آیا داشتن برنامه‌ای برای گذران اوقات فراغت می‌تواند از روی آوردن به کارهای خلاف جلوگیری کند؟ بیش از نیمی (۵۶/۹٪) از پاسخ‌گویان جواب مثبت داده‌اند، ۱۱/۸٪ نیز تا اندازه‌ای آن را مؤثر دانسته‌اند، ۷/۲٪ جواب منفی داده‌اند، و معادل همین درصد نیز اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. نکته درخور توجه این‌که بسیاری از پاسخ‌گویان درک درستی از اوقات فراغت نداشتند. چنان‌که ۱۲/۶٪ از پاسخ‌گویان داشتن شغل، ۹٪ از آنان مطالعه و اشتغال به تحصیل، و ۲۵٪ از آنان نیز گذران اوقات فراغت با اعضای خانواده را در جلوگیری از خلاف مؤثر دانسته‌اند. بدین‌سان، فقط یک سوم از پاسخ‌گویان مفهوم اوقات فراغت را درک کرده و به سرگرمی‌هایی چون کارهای دستی و هنری یا تفریحات سالم و ورزش اشاره کرده‌اند.

یکی از راه‌های گذران اوقات فراغت برقراری رابطه با افراد دیگر و مشارکت در فعالیت‌های جمعی است. این امر می‌تواند در زندگی اجتماعی فرد نقش مثبتی داشته باشد. برخلاف آن، انزوا و گریز از زندگی جمعی، در صورت مساعدبودن سایر شرایط، می‌تواند در گرایش به کجروی مؤثر باشد. بیش‌ترین درصد (۴۳/۱٪) پاسخ‌گویان در این تحقیق معمولاً، اوقات بی‌کاری خود را با اعضای خانواده سپری می‌کردند و درصد درخور توجهی (۳۵/۹٪) این اوقات را به تنهایی می‌گذراندند. ۱۵/۲٪ اظهار داشته‌اند که مواقع بی‌کاری خود را با دوستان خود به‌سر می‌برده‌اند و ۵/۸٪ نیز با همسایگان وقت‌گذرانی می‌کرده‌اند. از

میان پاسخ‌گویانی که اوقات فراغت خود را در منزل سپری می‌کردند، بیش‌ترین درصد (۳۸/۶٪) مهم‌ترین سرگرمی خود را در خانه پرداختن به هنرهای دستی اعلام داشته‌اند. پس از آن رسیدگی به امور منزل و فرزندان، با ۲۴/۲٪، مهم‌ترین سرگرمی در خانه اظهار شده است. برای ۱۴/۵٪ گوش‌کردن به موسیقی و برای ۱۳/۸٪ تماشای تلویزیون و ویدئو سرگرمی در خانه بوده است. نکته در خور توجه این‌که ۸/۹٪ نیز استعمال مواد مخدر را سرگرمی خود در خانه عنوان کرده‌اند (← جدول ۷).

جدول ۷. توزیع اظهارات پاسخ‌گویان درباره نحوه گذران اوقات فراغت در منزل

درصد	نحوه گذران اوقات فراغت در منزل
۳۸/۶	پرداختن به هنرهای دستی
۲۴/۲	رسیدگی به امور منزل و فرزندان
۱۴/۵	گوش‌کردن به موسیقی
۱۳/۸	تماشای تلویزیون و ویدئو
۸/۹	استعمال مواد مخدر
۱۰۰	جمع

در مورد سرگرمی‌های خارج از خانه، بیش‌ترین درصد (۴۰/۵٪) پاسخ‌گویان رفتن به پارک و سینما را بهترین سرگرمی خارج از خانه خود عنوان کرده‌اند. در مقابل، ۳۸/۷٪ اظهار داشته‌اند که با همسایگان خود وقت‌گذرانی می‌کنند. معاشرت با بستگان و شرکت در مهمانی‌های دوستانه (به ترتیب با ۹/۸٪ و ۷/۹٪) بهترین سرگرمی عده‌ای از پاسخ‌گویان در خارج از منزل بوده است. فقط ۳/۱٪ از پاسخ‌گویان بهترین سرگرمی خود را در خارج از خانه ورزش و مسافرت اعلام کرده‌اند (← جدول ۸).

جدول ۸. توزیع اظهارات پاسخ‌گویان درباره نحوه گذران اوقات فراغت در خارج از منزل

درصد	نحوه گذران اوقات فراغت در خارج از منزل
۴۰/۵	رفتن به پارک و سینما
۳۸/۷	سپری‌کردن اوقات با همسایگان
۹/۸	معاشرت با بستگان
۷/۹	برگزاری مهمانی‌های دوستانه
۳/۱	ورزش و مسافرت
۱۰۰	جمع

هرچند بسیاری از پاسخ‌گویان اوقات بی‌کاری خود را در منزل تنها یا با اعضای خانواده می‌گذرانند، داشتن روابط اجتماعی و مشارکت در اجتماع مورد علاقه بسیاری از آنان بوده است. حدود نیمی از آنان (۴۹٪) اظهار داشته‌اند که به شرکت در اجتماعات علاقه بسیاری دارند، علاقه ۲۱/۶٪ آنان به شرکت در اجتماعات ضعیف است، و ۲۳/۵٪ نسبت به آن بی‌علاقه‌اند. بی‌علاقگی به روابط اجتماعی ناشی از روحیه انزوآگرایی یا سرخوردگی از جامعه است. در بسیاری از موارد، احساس بیگانگی و جدایی از اجتماع به از خودبیگانگی می‌انجامد و این احساس در یک دور باطل می‌تواند در گرایش فرد به کجروی نقش مؤثری ایفا کند.

۶. نتیجه‌گیری

بسیاری از محققانی که به مسئله جرم و عِلل آن پرداخته‌اند، علاوه بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی، بر شرایط و موقعیت زندگی خانوادگی در ایجاد زمینه مساعد برای گرایش فرد به کجروی تأکید کرده‌اند.

در این تحقیق، تصویر جامعی که از زنان جامعه آماری می‌توان به دست داد، آن است که آنان عموماً جوان، بی‌سواد، یا کم‌سوادند و زندگی خانوادگی نابسامان و ناپایداری داشته‌اند.

بیش از نیمی از زنان بزهکار و مجرم در این پژوهش، از نظر اقتصادی، غیر فعال بوده‌اند. شاغلان هم میزان تحصیلاتشان پایین است و به همین علت، طبعاً در مشاغل به کار اشتغال دارند که درآمد و ثبات کافی ندارند؛ بنابراین صرفاً اشتغال نمی‌تواند مانع جرم و بزهکاری باشد و از این حیث نوع شغل، میزان دست‌مزد، ثبات و امنیت شغلی، کارایی، و مهارت شغلی نقش مهمی دارند. به عبارت دیگر، مشاغلی که درآمد آن‌ها قادر به تأمین حداقل نیازهای زندگی نیست توسط به راه‌های دیگر کسب درآمد را منتفی نمی‌کند. بنابراین، شرایط و موقعیت نامناسب در زندگی خانوادگی در ایجاد گرایش فرد به کجروی عامل مؤثری است. نتایج نشان می‌دهد که پدران ۴۰ درصد پاسخ‌گویان بی‌سوادند؛ میزان تحصیلات در مادران به مراتب وضع بدتری دارد. وضع سواد والدین پاسخ‌گویان و دلایلی که پاسخ‌گویان برای ترک تحصیل ذکر کرده‌اند نشان می‌دهد که پدر و مادر بی‌سواد یا کم‌سواد برای تحصیل فرزندان، به‌خصوص دختران، خود اهمیت چندانی قائل نیستند. به‌علاوه، اکثریت پاسخ‌گویان حداقل یکی از والدین و در مواردی هر دوی آن‌ها را در سنین

کودکی و نوجوانی از دست داده‌اند. بدین‌سان، اکثر پاسخ‌گویان، به دلیل از دست‌دادن والدین یا جدایی آن‌ها در خانواده‌های ازهم‌پاشیده پرورش یافته‌اند.

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که زندگی در محیط نابسامان و پرتنش، گسستگی پیوندهای میان فرد و خانواده را در پی دارد و این سبب می‌شود که فرد کمبودهای عاطفی و مادی خود را در جایی بیرون از خانواده جست‌وجو کند و در مواردی برای جبران آن‌ها وسایل و راه‌های نامشروع را برگزیند.

علاوه بر آن، قرار گرفتن در معرض خرده‌فرهنگ بزهکاری موجب تقویت الگوهای رفتاری‌ای می‌شود که در آن اعمال خلاف امری عادی تلقی می‌شود و وسعت ارتکاب عمل خلاف نیز بستگی به میزان قرار گرفتن فرد در این محیط و طول مدت رابطه و شمار دفعات آن دارد.

یکی دیگر از عواملی که به نوعی با نظریه خرده‌فرهنگ رابطه پیدا می‌کند و در ایجاد فرصت و امکان ارتکاب عمل خلاف مؤثر است شرایط زیستی و محل سکونت فرد است؛ یعنی زندگی در مناطقی که گروه‌های بزهکاری در آنجا فراوان است، میزان رشد جمعیت بالاست، و افراد ساکن در این محلات پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالایی ندارند. در چنین مناطقی، خرده‌فرهنگ بزهکاری، به صورت خرده‌فرهنگی رایج، درون هنجارهای کلی جامعه قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از عواملی که به‌نظر می‌رسد در گرایش افراد به کجروی مؤثر باشد نداشتن برنامه‌ای مناسب برای گذراندن اوقات بی‌کاری و فراغت است. گذراندن اوقات فراغت بعد مهمی از زندگی درونی انسان‌ها و بخشی از تصویر زندگی اجتماعی فرد است. در جامعه ما، که هنوز خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است، بیش‌ترین اوقات افراد در درون خانواده سپری می‌شود و تخصیص زمان مجزایی برای اوقات فراغت برای قشر عظیمی از جامعه مفهوم ندارد. به نظر ۵۷٪ از پاسخ‌گویان داشتن برنامه‌ای برای گذراندن اوقات فراغت می‌تواند از روی آوردن به کارهای خلاف جلوگیری کند.

بنا بر نتایج این تحقیق جرم و بزهکاری در جامعه عوامل متعدد دارد که دست به دست هم می‌دهند و زمینه مساعد را برای وقوع آن فراهم می‌آورند، اما معمولاً در هر مورد، نقش یک عامل بارزتر از عوامل دیگر و در حکم جرقه‌ای است که باعث اشتعال می‌شود. فقر اقتصادی، بی‌سوادی، ناآگاهی اجتماعی، زندگی خانوادگی نابسامان و ازهم‌پاشیده، و سکونت در محلات پست و جرم‌خیز، که خود متأثر از شرایط اقتصادی است، از جمله

عواملی اند که هر یک از آن‌ها متأثر از عوامل دیگر و در تعامل با آن‌هاست. هیچ یک از این عوامل به تنهایی موجب بروز کجروی و انگیزه عمل خلاف نمی‌شود، اما در صورتی که مجموعه‌ای از عوامل مساعدکننده وجود داشته باشد، هر یک از عوامل مذکور می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در گرایش فرد به کجروی ایفا کند.

پی‌نوشت

۱. باید یادآور شویم که در جامعه آماری ما (زندان اوین) از نظر قانونی تفاوتی میان مجرم و بزهکار نیست. در زندان، دختران بزهکار که عمدتاً در مقطع سنی زیر هجده سال قرار دارند، در کنار زنان مجرم و در مواردی سابقه‌دار نگهداری می‌شوند و از نظر قانونی و حقوقی نیز تفاوت تمایزی میان این دو گروه قائل نمی‌شوند و با هر دو گروه یک‌سان برخورد می‌کنند.
۲. جرایم زنان مجرم زندان اوین عمدتاً شامل نگهداری و حمل و خرید و فروش مواد مخدر، اعتیاد، زنا، رابطه نامشروع، کلاه‌برداری، آدم‌ربایی، سرقت، قتل، ایجاد اختلال در نظم و چاقوکشی، فرار از منزل، و نگهداری اسلحه بوده است.
۳. برای اطلاع بیشتر دربارۀ جرایم زنان ← White Hurst, 1990. همچنین مراجعه شود به ← Barlow, 1984.

منابع

- آبوته پاملا، والاس کلر (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- ادیبی، حسین (۱۳۵۶). *مقدمه بر جامعه‌شناسی شهری*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دومازیه، ژوفر (۱۳۵۲). «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی فراغت»، ترجمه علی اسدی، فرهنگ و زندگی، ش ۱۲، پاییز. رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۶). «قدرت، جنسیت و فراغت»، سمینار معماری کلان اوقات فراغت در تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، اردیبهشت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- سلگی، محمد و دیگران (۱۳۸۲). *بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان*، گزارش ملی جوانان، تهران: اهل قلم.
- فاضلی‌نیا، فرزانه (۱۳۸۰). «نقش خانواده و مدرسه در آسیب‌زایی اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- کوئن، بروس (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.

کلاتری، محسن (۱۳۸۰). «بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران»، رساله دکتری جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.

محمدی، زهرا (۱۳۸۳). *بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه (۱۳۷۰-۱۳۸۰)*، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.

هی‌وود، لس و دیگران (۱۳۸۰). *اوقات فراغت*، ترجمه محمد احسانی، تهران: امید دانش.

Barlow, Hugh D. (1984). *Introduction to Criminology*, Canada: Little Brown and Company.

Calhoun, Craig, Donald Light, and Suzanne Keller (1994). *Deviance and Crime, Sociology*, New York: Mc Graw Hill.

Gottinder, Mark and Leslie Budd (2005). *Key Concepts in Urban Studies*, London: Sage.

Green, E., S. Hebron, and D. Woodward (1990). *Women's Leisure, What's Leisure*, London: Mac Millan.

Huff, Ronald C. (1990). 'Historical Eplanation of Crime: From Demons to Politics', in Delosh Kelly (ed.), *Criminal Behaviour*, New York: St Martins Press.

Mitchell, Dancon G. (1989). *A Dictionary of Sociology*, London: Routledge.

Ochsen, Carsten (2010). 'Crime and Labor Market Policy in Europe', *International Review of Law and Economics, Elsevier*, Vol. 30(1).

Rostami Tabriza, Lamya and Ali Madani pour (2006). *Crime and the City: Domestic Burglary and the Built Environment in Tehran*, Habitat International.

Spano, Alexander and John Bolland (2009). 'Does Parenting Mediate the Effects of Exposure to Violence on Violent Behavior? An Ecological-Transactional Model of Community Violence', *Journal of Adolescence*, Vol. 32, No. 5.

Wheeler, Stanton (1972). 'Delinquency-Sociological Aspects', *International Encyclopedia of Social Science*, David Sills (ed.), Vol. 3, New York: Mac Millan.

White Hurst, Carol (1990). 'Women and the Commission of Crime: A Theoretical Approach', in Delosh Kelly (ed.), *Criminal Behaviour*, New York: Martins Press.

منابع دیگر

ربیع‌زاده، سوسن، فریبا زمانی، و شیدا نبئی (۱۳۷۶). *بررسی وضعیت اجتماعی، اقتصادی زنان مجرم و بزهکار شهر تهران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Hammick, P. L. et al. (2004). 'Social Support Factors as Moderators of Community Violence Exposure Among Inner-City African American Young Adolescents', *Journal of Clinical and Adolescent Psychology*.

Smart, C. (1977). *Women, Criminal and Criminology*, London: Rutledge and Kegan Paul.

